

به قدرت رسیدن دوباره طالبان

در افغانستان

و بازی‌های پشت پرده اشغال‌گران امریکایی

قسمت پنجم

رابطه چین با طالبان:

بعد از درگذشت مائوتسه دون، رویزیونیست‌های خزیده در درون حزب کمونیست و دولت سوسیالیستی چین با یک کودتای خونین قدرت سیاسی را در چین قبضه نمودند. رویزیونیست‌های سه جهانی بر خلاف سوسیال امپریالیزم "شوروی" به رقابت با امپریالیزم امریکا و تجاوز و اشغال‌گری نپرداختند، بل که به تصفیه نیروهای کمونیست در حزب کمونیست چین و دولت سوسیالیستی و به رشد اقتصادی رویزیونیستی در چین توجه مبذول داشتند.

سوسیال امپریالیزم چین بعد از کودتای هفت ثور 1357 خورشیدی و اشغال افغانستان توسط سوسیال امپریالیزم "شوروی" در مخالفت با سوسیال امپریالیزم "شوروی" برخاست و با امپریالیزم غرب هم‌نوا گردید و به رویزیونیست‌های سه جهانی افغانستانی (سازمان رهایی افغانستان) در جنگ افغانستان کمک‌های مالی نمود و از لحاظ نظامی نیز ایشان را تجهیز کرد.

سوسیال امپریالیزم چین نه تنها رویزیونیست‌های "سازمان رهایی افغانستان"، بل که حزب اسلامی گلبدین را نیز تحت حمایت خود قرار داد و از لحاظ مالی و نظامی این حزب را کمک فراوانی نمود. تا زمان فروپاشی امپراطوری "شوروی" این کمک‌ها ادامه داشت.

بعد از فروپاشی دولت مجاهدین تحت رهبری برهان الدین ربانی و به قدرت رسیدن طالبان توسط دولت پاکستان با حمایت امپریالیزم امریکا، دولت چین از این ناحیه نگران گردید. زیرا او بخوبی می‌دانست که روی کار آمدن طالبان در افغانستان، امپریالیزم امریکا تلاش خواهد نمود که نه تنها مرزهای کشورهای آسیای میانه و روسیه را نا آرام بسازد، بل که مرز چین را نیز نا آرام خواهد ساخت. رشد بنیادگرایی در افغانستان مسلمانان ایالت سین کیانگ را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد و موجب جنبش‌های بنیادگرایی در سین کیانگ خواهد گردید.

بناء دولت چین از همان ابتدای قدرت‌گیری امارت اسلامی در سال 1374 خورشید (1995 میلادی) به مخالفت با امارت اسلامی افغانستان برخاست و این دولت را به رسمیت نشناخت.

بعد از واقعه یازدهم سپتامبر 2001 میلادی و سرنگونی قهری امارت اسلامی و اشغال افغانستان توسط امپریالیست‌های اشغال‌گر به رهبری امپریالیزم اشغال‌گر امریکا سوسیال امپریالیست‌های چین از اشغال کشور حمایت نموده و در "بازسازی" کشور به کمک اشغال‌گران امپریالیست شتافتند. بعد از این که طالبان به سازماندهی مجدد خود پرداختند و علیه اشغال‌گران امپریالیست جنگ‌های چریکی را آغاز نمودند، سوسیال امپریالیزم چین بطور مخفی به حمایت طالبان برخاست و از لحاظ نظامی به تجهیزات نظامی شان پرداخت.

سوسیال امپریالیزم چین از سال 2006 میلادی به این سو با طالبان میانه خوبی را در پیش گرفت. زیرا سوسیال امپریالیزم چین دقیق می‌دانست که بنیادگرایان مذهبی خارجی بشمول حزب اسلامی ترکستان شمالی (گروپ بنیادگرای اسلامی اویغور ایالت سین کیانگ) در صفوف طالبان جای دارند. سوسیال امپریالیزم چین از یک طرف برای درد سر خلق نمودن به امپریالیزم اشغالگر امریکا و از طرف دیگر برای خنثی نمودن بنیادگرایی در ایالت سیکیانگ چین طالبان را مورد حمایت قرار داد.

زمانی که امپریالیزم اشغالگر امریکا با طالبان وارد مذاکره شد، سوسیال امپریالیزم چین روابطش را با طالبان مستحکم‌تر نمود و بعد از امضای "توافقنامه صلح" میان اشغال‌گران امریکایی و طالبان سوسیال امپریالیزم چین دست بکار شد و هیأت مذاکره کننده طالبان در قطر را به چین دعوت نمود و با ایشان وارد مذاکره گردید و حمایت خود را از طالبان اعلام نمود.

هیأت مذاکره کننده طالبان توانستند در جریان مذاکرات و قبل از مذاکرات به مسکو و دیگر جاها سفر نمایند. زمانی که ترامپ مذاکرات را متوقف نمود، تعدادی از هیأت مذاکره کننده طالبان به روسیه و چین سفر نمودند. در میان هیأت مذاکره کننده طالبان فقط افراد آزاد شده از زندان گوانتانامو حق خارج شدن از قطر را نداشتند و ممنوع الخروج بودند.

امپریالیزم اشغالگر امریکا از روابط نزدیک طالبان با امپریالیزم روسیه، سوسیال امپریالیزم چین، دولت پاکستان و دولت ایران به خوبی آگاه بود، بر مبنای همین روابط طالبان بود که مذاکرات مستقیم را امپریالیزم اشغالگر امریکا با طالبان در دوحه قطر آغاز نمود و روابط طالبان را با کشورهای متذکره زیر نظر گرفت و "توافقنامه صلح" را با طالبان به امضاء رساند.

بعد از فروپاشی رژیم دست نشانده و به قدرت رساندن دوباره طالبان توسط امپریالیزم اشغالگر امریکا و مسدود شدن سفارت خانه‌های کشورهای اشغالگر به رهبری امپریالیزم اشغالگر امریکا در افغانستان، چین نه تنها که حاضر به مسدود کردن سفارت خانه خود در افغانستان نگردید، بل که به حمایت طالبان پرداخت و روابط دیپلماتیک خود را با طالبان ادامه داد. سوسیال امپریالیزم چین مانند امپریالیزم روسیه مرتباً در تماس با طالبان قرار دارد و به تداوم تماس با طالبان تاکید می‌نماید و بر صلح و ثبات در افغانستان تاکید می‌ورزد. چین مانند روسیه از امپریالیزم امریکا در مورد منجمد نمودن دارایی‌های افغانستان انتقاد نموده و خواهان آزاد سازی پول‌های افغانستان است و امریکا را مسئول همه بی‌نظمی و بی‌ثباتی در افغانستان می‌داند.

سوسیال امپریالیزم چین مانند امپریالیزم روسیه از این جهت که کشورش از خاک افغانستان مورد تهدید بنیادگرایان مذهبی قرار گیرد نگران است. زیرا حزب اسلامی ترکستان شمالی از جمله احزاب بنیادگرای اسلامی است که در غرب چین توسط تندروان اویغور تاسیس گردیده است و تا کنون به پان اسلامیزم وابستگی کامل دارد و هدف این گروه ایجاد یک دولت مستقل بنام "ترکستان شرقی" در سین کیانگ چین می‌باشد. این گروه در بدخشان افغانستان توسط امپریالیزم امریکا کمک می‌گردید. و از سوی دیگر هزاران جنگ جوی بنیادگرای اویغور در سوریه می‌جنگند، احتمال زیاد وجود دارد که این جنگ جویان توسط امپریالیزم امریکا به افغانستان بیایند و از این طریق درد سر بیش تری برای چین خلق کند.

در تفاهمی که میان سوسیال امپریالیزم چین و طالبان صورت گرفته بود، طالبان در بدخشان جلوی کمک اشغال‌گران امریکایی را به حزب اسلامی ترکستان شمالی گرفتند. این حرکت طالبان سوسیال امپریالیزم چین را خرسند نمود و طالبان را مورد حمایت بیش تر قرار داد. سوسیال امپریالیزم چین نیز تلاش می‌ورزد تا توسط طالبان از ورود جنگ جویان اویغوری در سوریه به افغانستان جلوگیری نماید و توسط طالبان مانع فعالیت‌های بنیادگرایان مذهبی حزب ترکستان شمالی گردد.

سوسیال امپریالیزم چین از این که تعداد اعضای حزب اسلامی ترکستان شمالی در بدخشان افغانستان به هزاران تن می‌رسد و توسط امپریالیزم امریکا مورد حمایت قرار دارند نگران آنست که امریکا توسط این جنگ جویان ایالت سین کیانگ در مرز چین و افغانستان را نا آرام سازند، و هرگاه جنگ جویان اویغور در سوریه به افغانستان فرستاده شود، تعداد اعضای جنگ جویان حزب اسلامی ترکستان شمالی چند برابر خواهد شد و زنگ خطری برای چین خواهد بود. به همین علت چین تلاش می‌نماید تا با طالبان

روابط خویش را حفظ نموده و آن‌ها را از پان اسلامیزم دور سازد، و مانع فعالیت حزب اسلامی ترکستان شمالی در بدخشان گردد تا از این ناحیه خطری متوجه چین نگردد. روابط بین المللی کنونی طالبان بیان‌گر آنست که طالبان مانند دوره اول امارت اسلامی به پان اسلامیزم پابندی ندارند و از آن فاصله گرفته‌اند. به همین ترتیب سوسیال امپریالیزم چین تلاش می‌نماید تا از طریق موسسه آفاخان کمک‌های بیش‌تری را زیر نام "کمک‌های بشر دوستانه" به امارت اسلامی افغانستان نماید تا از این طریق حرکات و فعالیت‌های تند روان اویغور را در بدخشان زیر نظر داشته باشد.

روابط بسیار نزدیک طالبان با دولت چین و سکوت طالبان در قبال سیاست‌های جاری دولت چین در قبال مسلمانان اویغور در سین کیانگ زمینه ساز آن گردید که دولت چین مسلمانان اویغور را به طور وسیع در سین کیانگ سرکوب نماید.

بنابراین طالبان بعد از این‌که قدرت سیاسی افغانستان را برای بار دوم به کمک امپریالیزم اشغال‌گر امریکا بدست گرفتند، به طور هم‌زمان به سوی یک سیاست غیرپان‌اسلامیستی "تسلیم‌طلبانه" در قبال ابرقدرت امپریالیزم امریکا متحدینش و قدرت امپریالیزم روسیه و سوسیال‌امپریالیزم چین در حرکت بوده و در حال تبدیل شدن به یک نیروی متعارف تسلیم‌طلب و سازش‌کار "اسلامی" با قدرت‌های امپریالیستی مختلف در یک کشور اشغال شده است.

بنائاً روابط نزدیک طالبان با دولت‌های روسیه و چین نیز مبتنی بر "ناسیونالیزم" آن‌ها و در ضدیت با وظایف پان‌اسلامیستی آن‌ها در قبال "مسلمانان" چیچینی و اویغوری قرار دارد.

طالبان از زمان شروع مذاکرات با امپریالیزم اشغال‌گر امریکا تا کنون این سیاست تسلیم‌طلبانه را ایفاء نموده و نقش مهمی در فروپاشی کل پان اسلامیزم ضد امریکایی، روسی و چین به عهده گرفته‌اند و این نقش طالبان همه روزه عمق و گسترش بیش‌تری یافته است. پیش برد این سیاست طالبان به نفع دولت چین است و دولت چین از یک سو خواهان پیش برد این سیاست توسط طالبان اند و از سوی دیگر دولت چین چشم طمع بر ذخایر معادن افغانستان دوخته است، به همین مناسبت هیأتی به تاریخ 1400/9/3 خورشیدی (2021/10/25 میلادی) برای تشخیص معادن کشور به افغانستان فرستاد.

سوسیال امپریالیزم چین در زمان رژیم دست‌نشانده اشرف غنی نیز بر این ذخایر چشم دوخته بود، چنان‌چه رژیم پوشالی استخراج مس عینک لوگر را به دولت چین قرارداد نمود. دولت چین به هیچ وجه نمی‌خواهد که از منافعش در افغانستان بگذرد و دولت امریکا نیز نمی‌تواند نقش دولت چین و منافع آن کشور را در افغانستان نادیده بگیرد. بنائاً دولت چین به هر قیمتی که شده روابطش را با طالبان حفظ خواهد نمود.

سوسیال امپریالیزم چین نه تنها بر معدن مس عینک لوگر دسترسی پیدا خواهد نمود، بلکه تلاش دارد تا قراردادهای استعمارگرانه برای استخراج سایر معادن افغانستان با طالبان به امضاء برساند و سعی به عمل می‌آورد تا برای سهولت بیشتر صدور کالاهایش به افغانستان و ایران به تمویل پروژه هائی بپردازد که در کمیته مشترک سه جانبه میان ایران - چین - امارت اسلامی افغانستان به تاریخ 20 نوامبر 2021، در بخش‌های اقتصاد - زراعت - تجارت راه آهن و سرمایه‌گذاری ایجاد گردید.

کمیته مشترک سه جانبه به توافقاتی از جمله: صادرات آرد و روغن به افغانستان، آغاز تحقیقات تخنیکی در پروژه خط آهن خواف - هرات، ساخت و تمویل خطوط آهن هرات - مزار و واخان - کاشگار، سرمایه‌گذاری مشترک در بخش زراعت، ایجاد اتاق تجارت مشترک میان افغانستان و ایران، سهولت در اخذ ویزه برای تاجران دو کشور، حل مشکلات مواد سوختی برای تاجران، بلندبردن ظرفیت شهرک‌های صنعتی و سهولت در بخش ترانزیت اموال صادراتی افغانستان توسط ایران، دست یافت و بر مبنای همین هم‌کاری سوسیال امپریالیزم چین بود که کمیته سه جانبه میان ایران، چین و افغانستان برای تمویل این خط آهن تشکیل گردید.

ادامه دارد